



۲۰۱۵/۰۵/۱۲



صلاح الدین سعیدی

به رسمیت شناسی پوسته های سه جانبه در اطراف "دیورند لاین" خیانت ملی است!

ایجاد و رسمی ساختن پوسته های امنیتی سه جانبه پاکستان، ناتو و افغانستان در اطراف و حوالی خط فرضی و تحمیلی "دیورند لاین"، ایجاد و یا فشاری بر تشکیل کمیته سردی «و یا باردر منجمنت کمیته» مبنی بر عبور مرور غیر عملی از به اصطلاح قبر ملانصرالدین که پاکستان برای تحقق آن تلاش دارد، مصالحه سیاسی تحت نظر پاکستان، ادامه بی امنی در کشور ما توسط عمال پاکستانی در افغانستان و خاصاً صفحات شمال کشور ما، ذهنیت سازی و آمادگی به تحقق یک خیانت تاریخی و ملی به اعمال فشار، تهدید، فریب و اتکاء به ستون پنجم دشمن در داخل نظام و حاکمیت کابل است و **ربط موجه به امنیت کشور ما و منطقه که موجب صلح و ثبات شود، ندارد.**

این گردن نهادن و اطاعت از اهداف و پلان های پاکستانی صرف و صرف میتواند برای مدت کوتاهی هم که شده برنامه های خرابکارانه استخبارات پاکستان را علیه افغان ها و افغانستان به خاطر تقلیل خواهند داد که پاکستان برای درست ثابت کردن این تدابیر؟! خرابکاری، برنامه، تمویل و تجهیز آن را برای مدت آنچه در امکان دارد، نخواهد شد. بخاطر آنچه در امکان دارد گفتیم که وضع از کنترل حکومت ملکی پاکستان در پاکستان و منطقه عملاً تا حدی خارج شده و پاکستان میتواند در تمویل و تجهیز خرابکاری نقش داشته باشد تا افغانستان و منطقه را نا آرام سازد و خطر علیه جهان را تجهیز و تمویل لوژستیک کند اما نمی تواند آن را تا حدی توقف و یا کنترل کند که سبب صلح و ثبات کشور ما و منطقه شود. مواضع کاملاً متفاوت رسمی حکومت ملکی پاکستان و حرکت طالبان و حزب اسلامی گواه روشن این تأکید است.

با چنین مانور ها، فریب، چالاکي و تحت فشار قرار دادن جانب افغانی پاکستان دارد به تطبیق پلان های تاریخی خویش نایل میشود. این تقلیل خرابکاری پاکستان علیه افغانستان کوتاه مدت خواهد بود و بعد از مدت کوتاه پلان های وسیع برتری اقتصادی سیاسی منطقوی پاکستان با شدت خویش از سر گرفته خواهد شد.

مسلم این است که تاریخ پاکستان، زمان حاکمیت ۱۳ ساله جناب حامد کرزی و تمام شواهد تا امروز ثابت ساخته است که در ستراتیژی دشمنانه پاکستانی علیه افغان ها و افغانستان هیچ تغییر عملی درست نیامده است.

ستراتیژی و تاکتیک های زعمای پاکستان از جمله حاکمیت نظامی وقت پاکستان ضیاء الحق «جهاد افغان ها که مبارزه و جهاد مردم افغانستان را مبارزه در حفظ موجودیت پاکستان، حفظ وحدت پاکستان و تجارت بر اشک و خون ملت ما و مردم بی گناه منطقه را برای جیب پُر کردن جنرالان پاکستانی» بکار برده اند به شدت تام ادامه دارد و الفبای سیاست حکم میکند که آنچه که بعضی از سیاستمداران ما ساده لوحانه فکر میکنند، تغییر نخواهد کرد.

در کانفرانس سه جانبه پاکستان افغانستان تحت قیمومیت کشور انگلستان در پنج شش سال گذشته پاکستان همیشه تلاش داشت که مسأله منافع و مصالح کشور و منافع جیبی جنرالان خویش را با فشار وارد کردن در جبهه جنگ، به کارگیری افراطیت و اغوای جهان موفقانه و محیلانه دوام بدهد.

به استناد تاج التواریخ امیر عبدالرحمن خان فقید زمانی که به امضای تفاهمنامه لیز (گروی خط) «دیورند لاین ۱۹۹۳م» مانند ادامه گروی خط (لیز) گندمک (امیر محمد یعقوب خان رها شده از هشت سال زندان پُر مشقت پدر و حواس باخته) مجبور ساخته شد، میگفت که: «اگر خواسته باشم و یا نه خواسته باشم، انگلیس ها می خواهند این تفاهمنامه را بر افغانستان تحمیل کنند...».

لذا امیر در تلاش شد تا با تدویر کمیته دو جانبه که ظاهراً در ظرف سه سال (۱۸۹۳-۱۸۹۷م) به بهانه اینکه این تفاهمنامه فرضی و در مبداء غیر مشروع «دیورند لاین» را در عمل به تأخیر بیاندازد و در برابرش حد اقل موانع زمانی و تخنیکی ایجاد کند، روی کار کرد.

کار کمیته مذکور مطابق برنامه در ظرف سه سال (۱۸۹۳-۱۸۹۷م) فوق هیچگاهی هم تکمیل و خاتمه نیافت و امیر عبدالرحمن خان حد اقل در سه بخش همین نقشه در سه مورد اعتراض رسمی داشت که این همان نقشه ای نیست که "سر تیمار دیورند" وزیر خارجه انگلیس برای هند برطانوی (برتانوی) برایش نشان داده بود. در آن سند (تفاهنامه) که صرف به زبان انگلیسی بود و نقشه منضمه آن که توسط یک مأمور وزارت خارجه زمان اعلیحضرت محمد ظاهر شاه (مأمور مذکور فعلاً در امریکا زندگی میکند و این نقشه را در آرشیف وزارت خارجه افغانستان دیده) دیده میشود که خود امیر عبدالرحمن خان تغییراتی به قلم سرخ درین نقشه وارد کرده بود.

حال سوال مطرح میگردد که آیا تاریخ تکرار میشود؟

امیر عبدالرحمن خان بعد بازگشت از یازده سال تبعید، با آگاهی از سرنوشت تراژیک امیر دوست محمد خان و امیر شیر علی خان،

با تهدید اینکه حکام انگلیسی برایش گفتند که یا این سند (تفاهنامه - لیز دیورند لاین) را امضاء کن ورنه قوای نظامی انگلیسی در دو طرف در مناطق هرات و شرقی در حالت آماده باش حضور دارند و به جنگ آماده می شوند.

منابع انگلیسی برای امیر گفتند که اگر شما آن را امضاء نکنید پسران کاکای شما که دعوی تاج و تخت را هم دارند آماده امضای این سند اند که تخت هم به آنها تعلق خواهد گرفت.

منابع استعمار وقت به امیر عبدالرحمن خان گفتند که اگر سند لیز را امضاء نکنید قیام هایی علیه شما در شمال (ممکن منظور شان مزار شریف و یا ترکستان زمین بود؟) وسعت خواهد گرفت و قیامها نافرمانی هایی در مناطق آنطرف خط یعنی مناطق آنطرف خط فرضی دیورند اضافه شده و خطر از بین رفتن حاکمیت شما مطرح است.

همچنان به امیر گفتند که روسها مطالبات بر سرزمینی در بدخشان دارند و اضافه براین ما (انگلیسها) مالیات زمین های لیز شده (آن طرف خط فرضی دیورند لاین) را به اساس تفاهنامه دیورند لاین جمع آوری و سالانه ... روپیه برای شما (امیر) خواهند پرداخت. به امیر گفتند که شما میتوانید سلاح و مهمات نظامی خریده شده را برای خویش از این مناطق (لیز شده) وارد نموده و حتی شما (امیر) اجازه دارید که عملیات نظامی در آنطرف خط دیورند صرف به شرط خبردادن و اطلاع برای ما، اجراء کنید.

تفاهنامه تحمیلی «دیورندلاین» مبنی بر امضای تحمیلی با یک جانب که استقلال سیاسی نداشت از لحاظ حقوقی (روید - از همان نقطه صفری) باطل است و اگر ما برای یک لحظه قبول کنیم که چنین تفاهنامه تحت شرایط باطل کننده از صفر صورت گرفته باید اضافه کنیم که مردم ما از همان آغاز آن را از ما نمی دانند و آن را مربوط دیورند و خارجی دانسته و به هر صورت برای آن در شورای هفتم افغانستان نقطه پایان به طوری گذاشته اند که آن را نه تنها راتیفیکیشن و تصویب نه کرده بلکی آن را ملغی کرده است.

در سال ۱۹۴۷ میلادی در حین تقسیم هند و ایجاد پاکستان صرف و صرف میتوان شد از تقسیم آن بخش از جهان صحبت میشد و مطرح بود که داخل خط اداری هند شامل بود، در خط اداری هند آنهم به اساس تفاهنامه گروی خط گندمک صرف و صرف پشاور و قسمت دیره جات شامل بود. اگر تقسیم هند میشد میتوان از مناطق داخل خط اداری هند صحبت شود و نه از مناطق شرق خط فرضی دیورند لاین.

حتی سر تیمار دیورند در نوشته های عدید خویش در مطبوعات انگلیسی بعد از ختم مأموریتش مناطق شرقی خط دیورندلاین را سرزمین هند برتانوی دانسته و نمی دانست.

آیا واقعاً تاریخ تکرار میشود؟ و یا اینکه کار همان کمیته (۱۸۹۳-۱۸۹۷ م) نقطه گذاری خط روی کاغذ (سر تیمار دیورند) در عمل آغاز شده به صورت اکراه و جبر توسط امیر عبدالرحمن خان امروز با به رسمیت شناسی پوسته های سه جانبه پاکستان، افغانستان و ناتو در حال عملی شدن و کار برای عملی کردن آن صورت میگیرد؟

با توجه به منطق سخن در بین افغانستان و پاکستان که در حدود ۲۸۰۰ کیلومتر خط عبوری وجود دارد و عملاً بیشتر از ۳۶۰ نقطه محل عبور و مرور بین دو کشور است و آن صرف ۱۱ محل تحت کنترل دولتی است چطور میتوان با ایجاد پسته های سه جانبه این همه را عملاً و مطمئن کنترل کرد؟ به یقین عملی نیست.

واقعیت این است که افراد مانند صف و جبهه از کدام خط و کشور عبور نمی کنند. افراد می آیند و سلاح در داخل کشور در اختیار شان از جان افراد ناراض و نیرو های وابسته به پاکستان و قسماً همفکران در اختیار جنگجویان گذاشته شده و جنگ و برادر کشی صورت میگیرد. هیچ تضمینی وجود ندارد که افراد عبور کننده از این پسته ها

درین خط عریض و طویل کنترول شود، دیگر اینکه این نیرو های پاکستانی اند که برای این نیرو های جنگی حین وارد شدن به افغانستان زمینه سازی کرده اند و تازمانیکه منافع شان ایجاب کند زمینه سازی خواهند کرد... بدون اندکترین تزلزل با تمام صراحت باید گفت که اگر چنین شود و این پسته های امنیتی؟! سه جانبه به رسمیت شناخته شوند نه تنها که ربطی به امنیت کشور ما و منطقه ندارند بلکه یک خیانت تاریخی، ملی و خیانت به مادر وطن چیزی دیگر نیست و بوده نمی تواند.

اینکه مردم در طول تاریخ قربانی داده و آن را قبول نه کرده اند و تاریخی خونین کشور و مردم ما گواه آن است همین ها هم با وجود صدها هزار کشته و زخمی شخصیت های ملی و بین المللی این طرف و آنطرف خط دیورندلین کار وسیع احیای افغانستان تاریخی میکنند. اما بخاطر اینکه تعداد زیاد شان ترور، کشته و خفه شدند و بخش دیگر به اندیشه های تعصبات قومی و سمتی مبتلا شدند، اما تعداد زیادی هنوز هم با قوت کامل برای احیای افغانستان کامل کار میکنند.

سوالی مطرح است که آیا باید این مسأله را امروز مطرح کرد؟ و توان مطرح کردن آن را داریم؟ جواب نه است. اما کار تئوری باید با تمام قوت ادامه داشته باشد. و اگر پاکستان نهایی کردن آن را درین مرحله حساس با گرفتن از ناخون افگار و اتکاء به ستون پنجم خواهان است که آیا باید مسأله به صورت منطقی و مستند با شواهد تاریخی مطرح شود. ما به خاطر گرفتن نظر در علاج مریضی به ریفرا ندیم و همه پرسوی ضرورت نداریم. این کار داکتر حاذق و شواهد و مستندات نه ریفرا ندیم و همه پرسوی. اگر منظور درین باشد که در آینده مثلاً کابل به وردگ و یا مردم لغمان با مردم کنرها یکجا زندگی میکنند و یا نه بحث جداگانه و این زمان نیست. اینکه جناب اسفندیار به آرمان های پدر معتقد است و یا به آن خیانت میکند و تارگیت کیلنگ وی را ساکت ساخته بحث ما نیست. اما بحث ما این است که خط دیورند غیر مشروع و از ابتداء اعتبار نداشت و ندارد و بنای باطل بر باطل باطل است.

این بحث ها بجای خودش اما اینکه حال اینطرف نمی خواهد و آن طرف میخواهد اصلاً بحث امروز ما نیست. این یک فریب و اغوا گری است که پرنده های هوا را شکارچی بر ما میفرودد. و این نوع فروش از لحاظ قانون ممنوع و باطل است. بحثی است طویل و عریض.

با مشاهده وضع موجود، برداشت درست از وضع سیاسی و نظامی آن وقت باین وقت را به صورت تلگرافی ارایه کردیم که یک نتیجه است و آن اینکه به رسمیت شناسی پوسته های ناتو، پاکستان و افغانستان را توهین و تحقیر به خون پاک شهدای وطن و تطبیق برنامه های دشمنانه پاکستان علیه افغانستان دانسته آن را خیانت ملی میدانم.

راه حل:

- ما به ایجاد سرحدات بین ملت ها و مردم و خاصتاً ملت واحد معتقد نیستیم و آن را راه حل نمی دانیم. همانگونه که روابط تنگانگ بین فرانسه و آلمان بعد از جنگ دوم جهانی ایجاد شد، ضرورت است تا روابط کشور های همسایه بهتر و از خرابکاری علیه یکدیگر دست برداشته و پاکستان به این معتقد ساخته شود که ادامه صدور امتعه ترور به نفع مردم و هیچ کشور و انسانی نیست. اما به صورت پیکیر باید:

■ - تلاش صورت گیرد و کار عملی انجام شود که تا استابلشمنت پاکستان در ادامه جنایت علیه مردم ما و امر صلح به صورت مستند افشاء شود و به دست برداشتن از برنامه های تمویل، تجهیز و در موارد برنامه ریزی جنایت و جهت دادن جنایت کاران علیه وطن و مردم ما و مردم صلح دوست جهان و منطقه مجبور ساخته شود. عذر و خواهش، خیر و خیرات در سیاست جای ندارد.

از صد ها مستندات اقرار چند ماه قبل پرویز مشرف مبنی بر سوء استفاده استابلشمنت پاکستان از حرکت طالبان برای منافع پاکستان کفایت میکند.

■ - تقویت نیرو های نظامی و دولت داری خوب در افغانستان

■ - پیگیری درست سیاسی مصالحه سیاسی که منجر به زمینه سازی داشتن نقش تمام نیرو های خیر خواه سیاسی کشور از طریق مجاری مشروع یعنی ملت در رهبری کشور شده، خرابکاران تجرید و اولاد صالح و یا حتی فریب خورده وطن از خدمت منافع دشمن خارج شود.

بلی این کار نه به عذر، نه به زاری و گریه و نه هم جدا از ملت شده میتواند.

حاکمیت باید توسط مردم، برای مردم و در خدمت ارزش های مردم که درین مورد ارزش های اکثریت قریب به اتفاق ملت و مردم مسلمان ما اولویت داشته باشد، تقویت یابد.

برماست تا مسؤلین اموری که هنوز هم به فریب و فتنه استابلشمنت و پالیسی سازان اصلی پاکستان متوجه نشده، باید متوجه شوند و کاری نکنند که روی سیاه تاریخ و ملت شوند. ما به درایت اولاد صالح کشور باور داریم و مرتکب اشتباه نخواهند شد که ترمیم آن سخت قیمت تمام خواهد شد. ومن علينا الا البلاغ المبین

د پانو شمیره: له ۳ تر ۳

افغان جرمن آنلین په درننیت تاسو همکارۍ ته رابولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ